

داشتن فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی و ارج نهادن به آن و اشاعه آن در تمام دنیاست. عامل چهارم «گیرنده پیام» است که در اینجا شامل همه عصرها و نسلها بویژه قشر جوان می شود.

نوجوانان و جوانان ما باید در اشاعه سنتها و آداب ایران، که با روح عالی تمدن اسلام در آمیخته است، کوشا باشند و گنجینه عظیم ذخایر شعریمان را، که بخشی از فرهنگ ماست، به گوش جان بشنوند و پیام آن را بگیرند و به دیگران منتقل کنند.

عنوان مقاله : ورودی به شرح سودی

نویسنده : بهادر باقری

مآخذ : فصلنامه شعر، س ششم، ش ۲۴ (زمستان و پاییز ۱۳۷۷)

ص ۸ تا ۱۴

«محمد افندی سودی بسوی» از اهالی بوسنی بود که بیشتر عمر خود را در استانبول گذراند. وی حدود چهارصد سال پیش، شعر حافظ را به زبان ترکی ترجمه کرد. در سال ۱۳۴۱ شادروان خانم دکتر عصمت ستارزاده شرح سودی بر دیوان حافظ را در چهار جلد (حدود سه هزار صفحه) به زبان فارسی برگرداند. در این مقاله، نویسنده پس از معرفی سودی و شرح او، نگاهی نقدگونه به مقدمه آن دارد و درباره محسنات این کتاب می نویسد: «... شارح در پی گشایش مشکلات شعر خواجه بوده و خوشبختانه در ورطه تأویلات عجیب و نابجایی که دیگران دچار آن شده اند، نغلتیده است. یادکرد برخی باورهای عامیانه، اشعار، ضرب المثلها و معادلهای ترکی برای برخی لغات فارسی، تسلط قابل ملاحظه ای که بر صرف و نحو عربی داشته و ترجمه اشعار عربی حافظ نیز از دیگر سودمندیهایی شرح سودی است.»

نویسنده پس از برشمردن ویژگیهای شارح خوب، کاستیهای شرح سودی را به شرح ذیل برشمرده است:

۱ - بی روشی: کتاب دچار مصیبت دیرین بی روشی است و طبق رسم

حاشیه‌نویسی قدیم از آغاز دیوان حافظ تا فرجام، کلمه به کلمه شرح شده و بر اثر تکرار نجومی، واژه‌های بسیار ساده‌ای مانند «دارد» ده‌ها بار توضیح داده شده است.

۲- اشتباهات: اشتباهات سودی در شش بعد، قابل نقد و بررسی است:

۱- ۲- آنجا که لغت، اصطلاح یا ترکیبی را از بن، نادرست معنا کرده است؛ مانند:

شحنه = آبدارباشی

۲- ۲- آنجا که در فهم کل بیت و جستن مفهوم درست آن دچار اشکال شده است؛ مانند: سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت = سمن با دست صبا، خاک به دهانم انداخت.

۳- ۲- گاه اطلاعاتی بی‌بنیاد، غیرعلمی و گمراه‌کننده می‌دهد؛ مانند حاجی قوام‌الدین حسن را وزیر اعظم ایلخان و پسرش سلطان شیخ اویس دانسته در صورتی که وی وزیر شاه شیخ ابواسحاق بوده است.

۴- ۲- آنجا که اشتباه شارح به دلیل درست نخواندن شعر است؛ مثلاً در مصراع «به باد رفت و از او خواجه هیچ طرف نیست»، «طرف» را طرفه خوانده و صرفه (فایده) معنی کرده است.

۵- ۲- آنجا که در معنی بیت یا مصراع، دو وجه قائل شده که یکی از آنها اشتباه است: «دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را» وجه دوم: «ای صاحب‌دلان دلم از دست می‌رود. به خدا حیف است که راز پنهان آشکار شود.

۶- ۲- اشکالات دستوری این کتاب برآستی فاجعه است؛ مانند: «دان» از دانیدن و «گرفتار» از آریدن.

۳- اطناب ملال‌آور: توضیحات زاید مانند: لب = لب آدمی، ترجمه لغات ساده فارسی به عربی مانند: تو = اَنْتَ و شرح غزلها و ابیات الحاقی دیوان حافظ، موجب اطناب ملال‌آور این شرح شده است.

۴- ایجاز نابجا: این کاستی در دو جنبه بسختی گریبانگیر شرح سودی را گرفته است: نخست اینکه وی به ظرافتهای ادبی شعر حافظ، بخصوص ایهام - که سوغلی سراپرده شعر اوست - هیچ توجهی ندارد؛ مثلاً در مصراع «در اشک ما چو دید روان

گفت کاین چه جوست» روان را «جاری» معنی کرده و معنای «بسرعت» را دریافته است. دیگر اینکه در مواردی مطلب به توضیح و تفسیر احتیاج داشته و سودی به بهانه‌ای از آن در گذشته و حق مطلب را ادا نکرده است؛ مثلاً در داستان گم شدن خاتم حضرت سلیمان می‌نویسد: از قرار معلوم قصه خیلی طولانی است؛ اما شرحش اینجا مناسب نیست. (پس کجا مناسب است؟)

۵- نقد و نقادی: در عالم نقادی، سودی گاه با عبارتی نه چندان زیبا به مبارزه برخاسته و عجیبتز آنجاست که در برخی موارد، نقد سودی درست نیست و وجهی را که خود سودی بیان داشته است اشکال دارد؛ مثلاً: «هر که مژگان را جمع گفته، خبط فاحش کرده است.»

۶- آوردن شواهد شعری بسیار ضعیف نیز از جمله اشکالهای این شرح است.

۷- نثر ضعیف: بی‌توش و توان و نخ‌نمایی که مترجم در ترجمه از آن بهره جسته است، با دنیای تپش‌مند، رنگانگ و برومند شعر حافظ سازگاری ندارد. نثری پیر و فرتوت و محاوره‌مانند است و گاه عباراتی دارد که به هیچ روی جای آنها در کتاب شرح حافظ نیست؛ همچون گیرآوردن، به بند کردن و...

در پایان نویسنده یادآوری کرده است که اگر مترجم کاستیها را جبران، توضیحات اضافی را حذف، متن را تصحیح و تنقیح و موارد اشتباه را - دست کم در حاشیه کتاب - اصلاح می‌کرد، شرح سودی جایگاهی بهتر از این می‌توانست به خود اختصاص دهد. (گر چه دیگر فرصت این ایراد گذشته و مترجم روی در نقاب خاک کشیده است. روانش شاد.)

عنوان مقاله : تذکره مدینه الادب

نویسنده : منوچهر دانش‌پژوه

مسأخذ : فصلنامه آینه میراث، س اول، ش دوم (پاییز ۱۳۷۷)

ص ۵۶ تا ۵۹

نویسنده ابتدا به وضعیت چاپ کتابهای خطی به صورت عکسی اشاره دارد و به

رغم دشواری مطالعه این گونه کتابها، برتریهایی برای آنها قائل است که ادامه چاپ آنها را ایجاب می‌کند؛ از جمله اینکه کتابهای عکسی نمایاننده سیر کتاب‌نویسی در کشور و از طرفی نمایانگر اوج هنر تذهیب در این کتابهاست و کار محققان و پژوهندگان را برای دسترسی به نسخ خطی آسان می‌سازد و در این زمینه کتابهایی را برای چاپ در اولویت می‌داند که از جهت موضوع و شیوه کتابت و تحریر مورد استقبال اهل ادب باشد. سپس به معرفی کتاب تذکره مدینه الادب می‌پردازد که خصوصیات مذکور، آن را برای طالبان تاریخ ادب معاصر قابل استفاده کرده است. این تذکره را شاعر معاصر و مشهور و متأخر، محمد علی مصاحبی نایینی متخلص به «عبرت» جمع‌آوری، و با خط خوش تحریر کرده است. با توجه به اشراف او به دوران زندگی مؤلف، مطالب این تذکره مقرون به اطمینان است.

نویسنده تذکره با افزودن مطالبی در حواشی کتاب به شناختن دوران زندگی شاعران این تذکره کمک کرده است. از برتریهای متن و حواشی تذکره عبرت نایینی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- حسن سلیقه و ذوق مؤلف در تحریر متن و حاشیه، خط خوش وی، رعایت فصول در میان کتاب، استفاده از قلم دو رنگ، درشت‌تر نوشتن عنوانها و ریزتر نوشتن خط حواشی و پاورقیها نسبت به متن، انعکاس نمونه‌هایی از خط بعضی از شاعرانی که ذکر آنها در تذکره آمده است، آوردن چهره و تصویر شاعران به صورت نقاشی یا عکاسی، تعدد شاعران و دانشمندانی که در کتاب از آنان یاد شده که به کتاب جامعیت بخشیده است، مجموعه، علاوه بر تاریخ زندگی شاعران، حاوی اطلاعات ادبی و جغرافیایی و وقایع تاریخی است، مناظرات میان بعضی شعرا بیان شده که کیفیت مناسبات مابین آنان را برای خواننده روشن می‌سازد.

سرانجام، این تذکره از بهترین تذکره‌هایی است که درباره شاعران معاصر گرد آمده است و مطالب مستند آن می‌تواند منبع معتبری برای شناخت سخنوران سده حاضر باشد.

عنوان مقاله : در کیمیای سعادت

نویسنده : ابوالقاسم امامی

مآخذ : فصلنامه آینه میراث، س اول، ش دوم (پاییز ۱۳۷۷)

ص ۳۴ تا ۳۶

کتاب کیمیای سعادت، اثر امام محمد غزالی (۵۰۵ - ۴۵۰ قمری) و کیمیای سعادت میرزا ابوطالب زنجانی (۱۳۲۹ - ۱۲۵۹ قمری) هر دور در زمینه علم اخلاق و تذهیب نفس است. کیمیای سعادت غزالی، اخلاقی است یکسره مبتنی بر آموزه‌های شریعت، در حالی که کیمیای سعادت زنجانی که ترجمه فارسی طهارة الأعراف (= تذهیب الاخلاق) اثر ابوعلی مسکویه (مشکویه) است بر آموزه‌های فلسفی و استدلالی استوار است که سرچشمه‌اش اندیشه‌های فیلسوفان یونانی، بویژه ارسطوست.

غزالی در کیمیای سعادت در آغاز به «عنوان مسلمانی» می‌پردازد و آن را موکول به خودشناسی، خداشناسی، شناخت این جهان و جهان دیگر می‌داند و ارکان مسلمانی را در چهار رکن می‌داند: اول: عبادات، دوم: معاملات (رعایت ادب در حرکات و سکنتات)، سوم: مهلکات و عقبات (پاک کردن دل از اخلاق ناپسند) و چهارم: منجیات (آراستن دل به اخلاق پسندیده).

در کیمیای سعادت زنجانی - در واقع در تذهیب الاخلاق مسکویه - فصول و موضوعات اخلاقی در شش مقاله یا گفتار نوشته شده است: گفتار اول شرح استدلالی مبادی علم اخلاق و فضایل و رذایل آدمی و تقسیم‌بندی آنهاست. گفتار دوم در خوی آدمی و نظریات متفاوتی است که در مورد سرشت او از حکما و دانشمندان نقل شده و اینکه انسان دارای دو کمال نظری و عملی است و غرض از نوشتن این کتاب رسیدن به کمال دوم یعنی کمال در خوی و رفتار است. در گفتار سوم از خیر و سعادت و درجات هر یک سخن می‌رود و نظر رواقیان و طبیعت‌گرایان و فیلسوفان بزرگ یونان در این باره نقل می‌شود. در گفتار چهارم به تعریف عدالت و برشمردن نمودهای آن می‌پردازد. گفتار پنجم در محبت و

صداقت است و گفتار ششم در بهداشت روان و ارائه راه‌های درمان بیماری‌های روحی است.

عنوان مقاله : «هستی‌شناسی حافظ» در بونه نقد

نویسنده : مسعود معتمدی

مأخذ : آینه پژوهش، س نهم، ش ششم (بهمن - اسفند ۷۷) ص ۲۶ تا ۳۶

این مقاله نقدی است بر کتاب «هستی‌شناسی حافظ» به قلم داریوش آشوری. نویسنده در نقد خود موارد بسیاری از کاستی‌های صوری و معنوی کتاب را ذکر می‌کند که به اجمال به چند مورد آن اشاره می‌شود:

در تمام بخش‌های کتاب ایرادهای ظاهری و معنوی و گه‌گاه تکرارهای ملال‌آور به اندازه‌ای زیاد است که خواننده در جامعیت حافظ و تنوع‌گرایی او تردید می‌کند و برداشت او از تمام جهان فکری حافظ به داستان خلقت آدم منحصر می‌شود؛ چرا که به نظر مؤلف، مبنای هستی‌شناسی حافظ بر رویداد ازلی و اسطوره آفرینش است.

اصلی‌ترین بخش کتاب، برداشتهای حافظ از دو کتاب کشف الاسرار و مرصادالعباد است که در این بخش، مؤلف نزدیک به ۳۵۰ بیت از حافظ را - صرفاً به دلیل اشتراکات لفظی و مضمونی - ملهم از این دو کتاب دانسته است؛ در حالی که به مناسبت همان اشتراکات گاهی از متون دیگر شواهدی ذکر کرده است و این نشان می‌دهد که اینگونه الفاظ و مضامین در متون دیگر نیز بسیار به کار رفته است و تصریح در اقتباس حافظ یا هر شاعر دیگری از آنها بدون اینکه قرینه‌ای مستقن در اثبات آن وجود داشته باشد، البته ناصواب خواهد بود.

در قسمت دیگری از این نقد آمده است: «رد پای داستان آفرینش آدم را در متون اسلامی و عرفانی بسیار می‌توان یافت و قطعاً اقتباس شاعران و نویسندگان از این متون به متن خاصی محصور نیست، بلکه مجموعه آنها تصویری را در ذهن ایشان ایجاد کرده است. پس تنها به دلیل مشابهت بعضی کلمات یا ترکیبات که هیچ

ارتباطی نیر با موضوع ندارند، نمی‌توان به چنین استفاده‌هایی حکم قطعی داد.»
نویسنده مقاله حدود بیست بیت از ابیاتی را که به زعم مؤلف کتاب برگرفته از
کشف الاسرار و یا مرصاد العباد است نقل می‌کند و بعد مأخذ اصلی مورد استفاده
حافظ را که مؤلف به آن توجه نکرده است معرفی می‌کند.

از جمله کاستیهای دیگر کتاب «هستی‌شناسی حافظ» که نویسنده مقاله در نقد
خود بدان اشاره کرده ایرادهای صوری و نگارشی کتاب و استفاده از کلمات غریب
و متروک زبان فارسی است که خواننده را در پیچ و خم قیودات لفظی گرفتار می‌کند.
تسامح و سهل‌انگاری در ضبط صحیح ابیات حافظ نیز از ایراداتی است که بر
کتاب وارد است. مؤلف در دیباچه، اشعار حافظ را برگرفته از نسخه مرحوم خانلری
معرفی می‌کند در حالی که نه تنها در ضبط ایشان، بلکه در نسخه‌های معتبر دیگر از
دیوان حافظ نیز اینگونه ضبطها دیده نمی‌شود.

از دیگر اشکالات عمده کتاب، بیان نکته‌ها و نظرهایی است که محمل عقلی و
نقلی ندارند، یعنی نه عقلاً قابل اثباتند و نه مرجعی محکم برای آنها وجود دارد.
از دیگر اشتباهات مؤلف کتاب، طرح مسأله خلقت آدم به عنوان جهان‌بینی
حافظ و تعمیم آن بر شخصیت حافظ و زاهد و رند است که البته ناصواب می‌نماید؛
چراکه موضوع آفرینش آدم از جمله موضوعات متنوع و گوناگونی است که حافظ به
همراه موضوعات دیگر در شعر خود بدان پرداخته است و به هیچ وجه نمی‌تواند
مبنای هستی‌شناسی حافظ فرض شود. جهان‌بینی حافظ تنها و تنها مبتنی بر عشق
است، آن هم از نوع حافظانه، نه عارفانه صرف، یعنی حرکت از مجاز و رسیدن به
حقیقت.

برای هر یک از اشکالات و اشتباهاتی که نویسنده مقاله بر کتاب گرفته، نمونه‌ها
و مواردی نیز به عنوان مثال و شاهد آمده است.

عنوان مقاله : گنگشتی در «مدینه الادب»

نویسنده : محمد رضا موحدی

مأخذ : آینه پژوهش، س نهم، ش ششم (بهمن و اسفند ۷۷)

این مقاله معرفی است از کتاب «تذکره مدینه الادب» تألیف محمد علی مصاحبی نایینی متخلص به عبرت از شاعران و نویسندگان قرن اخیر (۱۲۴۵ - ۱۳۲۱ ش) که بسیاری از متون نفیس خطی را بازنویسی کرده است.

نویسنده پس از طرح مقدمه کوتاهی درباره تذکره نویسی در ایران و اشاره به این مطلب که در کتابهای تذکره افزون بر نقل فواید بسیار کمیاب و قیمتی، گاه در آنها اطلاعات نادرست و آمیخته با افسانه و معمولاً تکرار عبارات گذشتگان و تذکره نویسان پیشین به چشم می خورد، درباره تذکره مدینه الادب می گوید نویسنده در این کتاب با اطلاعات فراوانی که از شاعران و نویسندگان همروزگار خود داشته و البته با استناد به گفته و نوشته ایشان، مجموعه ای از شرح حالها و نمونه آثار گرانبها را در خود به جای گذاشته است.

نسخه ای که به خط زیبای مؤلف از «مدینه الادب» باقی مانده در سه مجلد چاپ شده است و علاوه بر اطلاعات و مطالب متن، حاوی حواشی ارزنده ای است که گاه ارزشی فراتر و برتر از نوشته های متن دارد.

«در متن جلد نخست کتاب (که اینک دو مجلد شده) از ۷۴ شاعر و در حاشیه آن از ۱۳۳ دانشمند و ۴۹۸ شاعر و در متن جلد دوم از ۳۳ شاعر و در حاشیه آن از ۵۲۹ دانشمند و شاعر یاد شده است.» مطالب مطرح شده در این کتاب گاه بسیار نادر است و در جای دیگر نمی توان یافت. شرح حال برخی از شاعران معاصر که به قلم خود ایشان نوشته شده است، تنها در این کتاب یافت می شود؛ همچنین نمونه دستخط بسیاری از این بزرگان و تصاویر ایشان (نزدیک به ۸۳ قطعه) بر اهمیت کتاب می افزاید.

در این مقاله فهرست موضوعی پاره ای از مندرجات حواشی تذکره مدینه الادب نیز آمده است؛ از جمله اصطلاحات صوفیه، تاریخچه تفرش و تذکره چند تن از